

وزرای نفت و حج عربستان با حکم ملک سلمان برکنار شدند

## زلزله دولتی در عربستان



کارشناسان اقتصادی: مردم کاهش نرخ تورم را در معیشت خود حس نمی‌کنند

## تورم واقعی چقدر است؟

## جنگ سخیف لفظی در انتخابات آمریکا

نه مسکن مهر را تکمیل

و نه طرح تبلیغاتی دولت یازدهم را اجرا می‌کنند

## طرح‌های رنگارنگ مسکن چه شد؟

### مقایسه نومحافظه‌کاری آمریکایی و ایرانی

- کمیل احمدی

در اندیشه سیاسی زمانی که از برخی گرایش‌ها مانند «لیبرالیسم» یا «محافظه‌کاری» سخن به میان می‌آید، برخی به اشتباه چنین تصور می‌کنند مثلاً قالب یک مشخص یا «وجودی مثالی» از این اندیشه وجود دارد که همه اندیشه‌ها عیناً باید با آن سازگار باشند. آنها این قالب و کلیشه را هم آن چیزی می‌دانند که در غرب شکل گرفته و به واسطه علوم و کتب ترجمه شده، وارد کشور شده است، در حالی که اینچنین نیست و تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف، تجلیات متفاوت دارند. اگر چه ممکن است به برخی دلایل برخی اندیشه‌ها را به یکدیگر نزدیک بدانیم و در یک مقوله بگنجانیم یا حتی با یک واژه آنها را بخوانیم اما این به معنای آن نیست که مثلاً هر اندیشه‌ای که در ایران «نومحافظه‌کاری» نام گرفت عیناً در فرانسه و آمریکا نیز چنین باشد یا مثلاً اندیشه‌ای که در قرن ۱۹ «محافظه‌کاری» خوانده شد، عیناً همان چیزی باشد که در قرن ۲۱ وجود دارد. تمدن مسیحی و تمدن اسلامی تفاوت دارند؛ جامعه ایرانی و جامعه عربی تفاوت دارند و همه اینها بر فکر و اندیشه نیروهای سیاسی و فکری تأثیر می‌گذارد. نمی‌توان انتظار داشت محافظه‌کاری برآمده از تمدن مسیحی و اروپایی با محافظه‌کاری برآمده از تمدن اسلامی و ایرانی یکسان باشد؛ هرچند به دلیل برخی مشترکات و یک وجه تسمیه ثابت، گروهی از اندیشه‌ها را با واژه‌های ثابت معرفی کنند. با این توضیح این اشتراک لفظ نباید «هرزن فهم» ما از تفاوت آن اندیشه‌ها باشد.

اما افزون بر مطلب مهم بالا، درباره چرایی وجود تفاوت در اندیشه محافظه‌کاران ایرانی و آمریکایی در این نوشته به یک نکته مهم دیگر اشاره می‌شود. تفاوت محافظه‌کاری آمریکایی ایرانی به اندازه تفاوت فاصله ابرقردتی و داشتن مدیریت نظام سلطه توسط آنها با کشوری متعلق به جهان سوم است که در طول یک قرن متأثر از آثار تخریبی نظام سلطه بوده است؛ جامعه‌ای که پس از انقلاب بزرگ ۴ دهه پیش خویش تلاش کرده از این وضعیت خود را رهایی بخشد و با تأمین منافع خود مانع پایداری شدن آن شود. با این تفاوت موقعیت، طبیعی است نیروی سیاسی محافظه‌کار آمریکایی با ایرانی فرق داشته باشد.

ادامه در صفحه۵

# وطن امروز

فروریختن توهم پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات با اعلام همبستگی ۱۸۱ منتخب مجلس دهم با اصولگرایان

# «امید» هست اما کم است

همین‌صفحه



پیش شرط ۲هزار میلیارد تومانی آلمان برای توسعه مناسبات اقتصادی با ایران

## آنچلا هم باج می‌خواهد!

فروریختن توهم پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات

با اعلام همبستگی ۱۸۱ منتخب مجلس دهم با اصولگرایان

### «امید» هست اما کم است

داده شد، سهام عدالتی که در دست مردم نیست و دولتی اداره می‌شود قرار بود ظرف ۵ سال به مردم داده شود ولی اکنون حساب‌ها دقیق نیست و به تعبیری ول شده است، باید با تکیه بر سیاست‌های اصل ۴۴ در جهت خصوصی‌سازی حرکت کنیم.

وی با تاکید بر لزوم حل معضل بیکاری گفت: باید حدوداً در سال یک میلیون شغل ایجاد شود که برای این کار نرخ رشد اقتصادی باید حدود ۱۲ درصد باشد که این‌طور نیست. از این رو اکنون وقت برقرار شده بود، جمعی از مستقلان مجلس دهم و نمایندگان اصلاح‌طلب این مجلس نیز حضور یافتند. عزت‌الله یوسفیان ملا، منتخب مردم امل در مجلس دهم نیز در نشست دپروز با حضور در جایگاه سخنرانان، طی سخنانی اظهار داشت: در نشست امروز (دپروز) ۱۵۴ نفر از منتخبان برگه حضور در جلسه را امضا کردند و ۲۷ نفر با بنده تماس گرفتند و به صورت تلفنی تمایل خود را برای حضور در این نشست اعلام کردند که آقایان قومی، شهرابری و احمدی لاشکی از جمله این افراد بودند.

علی لاریجانی، رئیس مجلس نهم در این نشست با اشاره به تاریخچه جریان‌های سیاسی بعد از انقلاب گفت: اوایل انقلاب دسته‌بندی سیاسی نبود و همه گروه‌های اصلاح‌طلب، اصولگرا، چپ و راست با یکدیگر یکی و در مقابل جریان مارکسیستی بودند. بعد از آن جریان چپ و راست با سبک و صبغه سیاسی شکل گرفت و بعد از مدتی گروه‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب پدیدار شدند. در آن نظر کمی و کیفی رشد داشته است و استراتژی همسان زمان رنگ‌ها و طیف‌بندی‌های دیگر اضافه شد و مقام معظم رهبری نیز در برهه‌ای فرمودند که مساله من اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست بلکه انقلابی بودن است. یک زمانی ایشان فرمودند معتقد به اصولگرای اصلاح‌طلبیند؛ بنابراین مهم انقلابی بودن و داشتن مسلک انقلابی است و مهم آن است که اساساً روحیه انقلابی داشته باشید. از این رو تقسیم‌بندی‌ها در فضای سیاسی دردی از کشور دوا نمی‌کند و برای مجلس هم مفید نیست. برخی اصرار دارند که بسایه این گروه‌های سیاسی بیرون را در مجلس بیندازند؛ ما به گروه‌های سیاسی بیرون نیاز نداریم. ما به روحیه واقعی مکتبی انقلابی نیازمندیم که ربطی به این گروه‌های سیاسی بیرونی ندارد.

وی خطاب به منتخبان گفت: شما افراد نخبه هستید، پس چه نیازی به پررنگ‌رنگ‌های سیاسی بیرون داریم که به ما چیز یاد بدهند؟ شما افراد بالغ هستید و امروز در صحنه ایران مهم آن است که به این نتیجه برسیم که انقلاب حرکت ریش‌های و مینایی است و روحیه انقلابی لازم است. لاریجانی با انتقاد از اجرای ناقص سیاست‌های اصل ۴۴ گفت: امروز گزارشی درباره سهام عدالت

همایش اصولگرایان شد. او که در انتخابات ۷ اسفند در لیست اصلاح‌طلبان قرار داشت، درباره این اقدام خود گفت او فراجحی است و می‌خواهد کاندیدای

نایب‌رئییی مجلس شود. البته کاظم جلالی، یکی دیگر از اعضای لیست امید در تهران نیز دپروز در همایش اصلاح‌طلبان شرکت نکرد. او گفت حامی علی لاریجانی است. این اتفاقات باعث ایجاد یک سرخوردگی گسترده در میان حامیان اصلاح‌طلبان شد. البته در همان ایام انتخابات نیز بسیاری معتقد بودند لیست انتخاباتی موسوم به لیست امید، در واقع لیست اصلاح‌طلبان و دولت نخواهد بود. اکنون نیز این پیش‌بینی تحقق پیدا کرده است و امثال کاظم جلالی و علی مطهری که تعداد قابل توجهی از لیست امید را به خود اختصاص داده بودند؛ ساز ناکوکی را با اصلاح‌طلبان می‌نوازند. کاظم جلالی که یکی از نزدیک‌ترین چهره‌های سیاسی در مجلس به لاریجانی است، به صراحت اعلام کرده در اردوگاه علی لاریجانی حضور دارد و او را شایسته ریاست بر مجلس دهم می‌داند. جلالی در پاسخ به اینکه آیا فرم مربوط به لیست امید را امضا کرده یا خیر، خاطرنشان کرد: من فرم لیست امید و هیچ فرم دیگری را امضا نکردم ضمن اینکه این لیست ائتلافی بوده و من هم از ناحیه دوستان اعتدالی معرفی شدم که در این لیست قرار بگیرم. وی درباره اینکه چه کسی رئیس مجلس دهم خواهد شد نیز تصریح کرد: البته موضع من در این باره روشن است. من در اردوگاه آقای لاریجانی هستم اما معتقدم مجلس باید افکار متعادل و متمندان‌های از خود نشان دهد و از گذشته نیز درس بگیرد.

نماینده مجلس افزود: ریاست مجلس دهم باید بر عهده کسی باشد که در مبارزه با جریان غیرعقلانی، منحرف و مخرب ایستادگی کرده و در این راه از همه‌چیز خود مایه گذاشته و کفایت خود را ثابت کرده است و من معتقدم این فرد کسی جز آقای دکنر لاریجانی نیست، اگرچه قائلم در این مسیر باید با تعامل پیش رفت و از گذشته تجربه آموخت و نباید گذاشت فضا به نفع افراطی‌ها یا منحرفان رقم بخورد. اما علی مطهری، دیگر عضو لیست امید که به مجلس دهم راه یافته نیز در نشست هم‌اندیشی اصلاح‌طلبان حضور یافت و پس از ساعاتی به نشست هم‌اندیشی اصولگرایان و مستقلان با علی لاریجانی و آیت‌الله موحدی‌کرمانی ملحق شد. به گزارش فارس، نشست فراکسیون فرآگیر منتخبان مجلس دهم شامل منتخبان اصولگرا و مستقل مجلس دهم از حدود ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه

انتخاب رئیس جدید و پایان دوره ۸ ساله ریاست علی‌گفاشیان بر فدراسیون

### تاج‌بر سر فوتبال

حلول ماه سرور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، شعبان‌المعظم را شادباش می‌گوییم

### مافیای نفهم‌ها

- محمدرضا کردلو

یکی را می‌شناختم که تعارضات جالبی داشت. تعارضاتی که اگر چه گاه اعصاب خردکن می‌شدند، اما خنده‌دار هم بودند. او با این تعارضات زندگی می‌کرد. یعنی چطور بگویم، شاید نان این تعارضات را هم می‌خورد. من که با چند قاعده روانشناسی آشنا بودم، می‌خواستم او را به قاعده‌ای و روشی تحلیل کنم، نمی‌توانستم. چون با هر تعارض جدید خط بطلان بر آگاهی‌های روانشناختی من می‌کشید. به عبارت بهتر آنی که من می‌شناختم، رب‌النوع تعارض بود.

مثلاً چه می‌گفت؟! مثلاً در عین حال که از مصدق دفاع می‌کرد، طرفدار سرسخت رضاخان و محمدرضا پهلوی هم بود. دیگری که کنار من بودند، سؤال می‌کردند: آخر چطور می‌شود؟ مگر این پدر و پسر، پدر مصدق را درنیابورند و دولتش را به خاک سیاه نشانندند؟! چطور او هم طرفدار مصدق است، هم کسانی که او را به خاک سیاه نشانندند؟

و فراوان از این تعارض‌ها داشت. البته این که کوچکش بود، خیلی‌هایش را نمی‌شود گفت. اما تعارضاتش گاهی اوقات آسیب هم می‌زد. مثلاً فقط از سر لج و لجبازی و اینکه امروز با یکی حل کرده است و با آن دیگر، نه، تصمیماتی می‌گرفت که حتی خودش هم گاهی اوقات ضررش را می‌دید.

بعدتر دیدم او تنها نیست. یکی - دو تا هم نیستند. در واقع از اول هم اشتباه فکر می‌کردم که او یک نفر است. او جزو یک جریان بود. رسانه‌های جدید که پیدا شدند، این را فهمیدم. فیس‌بوک، اینستاگرام، تلگرام و الخ که به میدان آمدند، متعارض‌ها رسانه‌دار تر شدند، تریبون‌های تازه‌تری هم پیدا کرده بودند و هرروز به نمایش تعارضات خودمی‌پرداختند.

برای اینکه مثالی نزدیک به ذهن گفته باشم، از همین ماجرای سوریه می‌گویم. ۶-۵ سال پیش وقتی اوضاع در سوریه بحرانی شد و آمریکایی‌ها پس‌ای تروریست‌ها را به سوریه باز کردند، متعارض‌ها به خاطر اینکه با عمو سام، الفتی دیرینه داشتند، بی‌خیال این شدند که پای آمریکا وسط است و معارضان سوری برای کشتن به میدان آمده‌اند، یک‌کاره گفتند: «لسد باید برود». در روزنامه‌های‌شان نوشتند و کار تا آنجا رسید که «عالیچناب تعارضات» هم همین حرف‌ها را زد. قبل‌ترش سال ۸۸ همان یک نفری که من می‌شناختم و این جریانی که یکی - دو تا هم نبودند، شعار «نه غزه، نه لبنان» سسر می‌دادند. خب! بعدش چه؟ می‌گفتند: «جانم فدای ایران». اما هیچ کدام‌شان برای ایران یک «سیلی» هم نخورده بودند و نخوردند.

چند سال گذشت. چند سالی که با درد گذشت. چند سالی که سخت گذشت، تازه انگار عده‌ای از آنها دوزاری‌شان افتاد. عده‌ای دیگر اما انگار به آنجا. مجادله میان خودی‌های این جریان که «روشنفکری» خطاب می‌شدند، شروع شد. آنهاپی که به تعارضات‌شان آگاه شده بودند، به خاطر این آگاهی فحش خوردند و هتک‌حرمت شدند. مثلاً اگر یکی یک پست ناقابل در فیس‌بوک یا جای دیگر درباره یک مطلب منتشر می‌کرد که «بیان شمه‌ای از آگاهی‌اش پیرامون یک مساله خاص سیاسی یا اجتماعی و فرهنگی باشد» جوری پدر صاحب‌چمه‌اش را درمی‌آوردند که دیگر غلط بکند «آگاهی» پیدا کند.

اگرچه‌همه‌تحلیل‌های‌قاعده‌مندروانشناختی من با شکست مواجه شده بود، اما حاصل دعوا بین «خودی‌های روشنفکری یا خودشان» به یک پروتکل نانووشته که در محافل‌شان عینیت دارد، دسترسی پیدا کردم. آنقدر که باید «یافتیم» ارشمیدس را سر می‌دام. خوب فهمیده بودم که همه درد اینجاست که روشنفکرها که

یکی - دو تا هم نبودند، اما زیاد هم نبودند، با «آگاهی» مشکل اساسی دارند. یعنی «شنباه» فهمیدن و «شتباهی» رفتن آنقدر اولویت دارد و «آگاهی» را سلاخی کند. نشان به آن نشان که کارگردان شهره جریان روشنفکری به منتقدانش می‌گوید: «خر»(با عذرخواهی از مخاطبان). همه این فهمیدن‌ها یک منشأ روانی هم البته داشت. توضیح دانش‌سخت است اما مثالش این است که کسی به حکم قانون بگوید «پدر سوخته‌بازی» یا بگوید «گسر فلاتی رأی نیابور. مردم بریزند تو خیابون!»